



# عصمت و طهارت

بانوی حرم اهل البيت عليهم السلام

نویسنده:

محمد علی فتحی

شماره تماس: 09192655866

## چکیده:

یکی از بانوان مقدس عالم، حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها است. زوایای شخصیتی ایشان برای عاشقان اهل بیت علیهم السلام به اجمال بیان شده است. طهارت و عصمت این بانوی مقدس یکی از مباحث مهم مربوط به حوزه شخصیت ایشان است. با اثبات طهارت و عصمت ایشان، جایگاه حضرت برای همگان روشنتر شده و تبعیت و دلدادگی به ایشان به اوج خواهد رسید. به باور ما عصمت وی هم در علم و هم در عمل خود را نشان داده است. در مقاله حاضر به دلایل طهارت و عصمت ایشان پرداخته شده است و در حد ممکن نشانه هایی از این دو ویژگی طرح گردیده است.

## کلید واژه

مفهوم شناسی عصمت و طهارت، عصمت علمی و عملی، طهارت ذاتی، وجوب بهشت، زیارتنامه

## مقدمه

یکی از زیباترین و بزرگترین جلوه ای الهی در روی زمین که به آسمانیان نو رافشانی می کند، حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها دختر امام موسی بن جعفر علیهما السلام و خواهر امام رضا علیه السلام است. ویژگیهای شخصیتی ایشان ممتاز بوده و همین، وی را در مقامی قرار داده که مدفنش را «آشیانه اهل بیت» (مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، 1403 ق: 214) کرده است. از عناوین والقباب برجسته آن بانوی بزرگوار «معصومه» می باشد. با توجه به اینکه تعداد معصومین علیهم السلام در مکتب اهل بیت علیهم السلام بیش از چهارده تن نیست، چگونه عنوان عصمت داری حضرت فاطمه معصومه (س) توجیه می شود؟ آیا مفهوم معصومه با عصمتی که در اهل بیت وجود دارد تفاوت دارد؟ آیا دلایل و نشانه هایی بر عصمت ایشان موجود است؟ آیا رابطه ای بین طهارت آن بانو و عصمتشان وجود دارد؟ دلایل ظاهره بودنشان چیست؟ مقاله پیش رویتان به تبیین شخصیت آن بانو از زاویه طهارت و عصمت می پردازد.

## مفهوم شناسی عصمت

در علم لغت واژه عصمت از ماده «عَصَمَ» (بر وزن فَلَاس) اشتقاق یافته که به معانی امساک (خود داری) و منع آمده است (قرشی بنایی، علی اکبر، 1412 ق: 9).

برخی نیز آنرا فقط به معنی «امساک» گرفته اند و اعتصام را به معنی امساک می دانند (راغب اصفهانی، حسین بن محمد، 1412 ق: 57). اما در اصطلاح عصمت معنی خاصی پیدا کرده است.

اشاعره عصمت را لطفی از ناحیه خدای -تبارک و تعالی- می دانند که به کمک آن شخص انگیزه ای برای ترک طاعت از خدا و ارتکاب گناه- با اینکه قدرت بر آن دارد - پیدا می کند (سعد الدین التفتازانی، 1371 هـ ش: 313).

علامه حلی - قدس سره- آنرا لطف خاص از ناحیه خدا بر اطاعت و ترک معصیت دانسته و اسباب این لطف را ویژگی بدنی خاص معصوم، آگاهی او بر عواقب امور و مناقب طاعات، وحی و الهام الهی و علم به مؤاخذه شدنش بر ترک طاعت می داند:

«العصمة لطف يفعل الله تعالى بصاحبها لا يكون له معه داع إلى ترك الطاعة و ارتكاب المعصية و أسباب هذا اللطف أمور أربعة: أحدها أن يكون لنفسه أو لبدنه خاصية تقتضي ملكة مانعة من الفجور و هذه الملكة مغايرة للفعل. الثاني أن يحصل له علم بمثالب المعاصي و مناقب الطاعات. الثالث تأكيد هذه العلوم بتتابع الوحي و الإلهام من الله تعالى. الرابع مؤاخذته على ترك الأولى بحيث يعلم أنه لا يترك مهملا بل يضيق عليه الأمر في غير الواجب من الأمور الحسنة فإذا اجتمعت هذه الأمور كان الإنسان معصوما» (جمال الدين الحسن بن يوسف بن المطهر الحلي، 1407 ق: 366).

این معنی از عصمت تقریباً مورد اتفاق غالب علمای شیعه است.

علامه طباطبائی - قدس سره - عصمت را نوعی علم می داند از خدای سبحان آنرا به بنده اش اعطاء می کند که به سبب آن صاحبش به طور دائم گناه نمی کند و منشأ این علم را از راه تعلیم وحی و نزول روح الامین و یا القاء بر قلب معصوم می داند. ایشان می فرماید:

«خدای سبحان می فرماید: وَ أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ وَ كَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا (النساء: 113). از این آیه استفاده می شود که خداوند دو نوع علم به پیغمبر اکرم (ص) تعلیم نموده است:

یکی تعلیم از راه وحی و نزول روح الامین بر ایشان که « أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ » به ضمیمه « نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ » (الشعراء: 193) بیانگر آن است و دیگری « عَلَّمَكَ مَا لَمْ تَكُنْ تَعْلَمُ » که نوعی القاء بر قلب پیامبر (ص) و الهام الهی بدون واسطه ملک و انزال آن است. این موهبت همان عصمت و نوعی علم است که بر تمام قوای طبیعی و غریز و امیال نفسانی غالب و صاحبش از گمراهی و لغزش و گناه به طور کلی باز می دارد و به واسطه آن نسبت به گناه تنفر و انزجار قلبی پیدا می کند که در روایات از آن به این صورت تعبیر شده است که پیغمبر (ص) روحی به نام «روح القدس» دارند که وی را از گناه و معصیت باز می دارد.

خطیب توانا و استاد اخلاق حجة الاسلام و المسلمین شیخ حسین انصاریان دامت برکاته عصمت را حالتی خاص و شهود ویژه می داند و آنرا منحصر در پیامبران و ائمه علیهم السلام ندانسته و راه وصول به آن را، عبودیت خالصانه و مجاهدت و ریاضت شرعی می داند و وی با اشاره به اینکه عصمت در دو مرحله علم و عمل به دست می آید تنها نوبت و امامت را نحصاری می داند که خدا به هر که بخواهد می دهد. شهید مطهری قدس سره:

«عصمت از گناه ناشی از کمال ایمان و شدت تقواست. ضرورتی ندارد که برای اینکه انسان به حد «مصونیت» و «معصومیت» از گناه برسد یک نیروی خارجی جبراً او را از گناه باز دارد و یا شخص معصوم به حسب سرشت و ساختمان، مسلوب القدره باشد. اگر انسانی قدرت بر گناه نداشته باشد و یا یک قوه‌ای جبری همواره جلوگیری او از گناه باشد، گناه نکردن او برایش کمالی شمرده نمی‌شود، زیرا او مانند انسانی است که در یک زندان حبس شده و قادر به خلافکاری نیست. خلافکاری نکردن چنین انسانی را به حساب درستی و امانت او نتوان گذاشت.

اما مصونیت از اشتباه: مصونیت از اشتباه نیز مولود نوع بینش پیامبران است.

اشتباه همواره از آنجا رخ می‌دهد که انسان به وسیله یک حس درونی یا بیرونی با واقعیتی ارتباط پیدا می‌کند و یک سلسله صورتهای ذهنی از آنها در ذهن خود تهیه می‌کند و با قوه عقل خود آن صورتهای را تجزیه و ترکیب می‌کند و انواع تصرفات در آنها می‌نماید؛ آنگاه در تطبیق صورتهای ذهنی به واقعیتهای خارجی و در ترتیب آن صورتهای گاه خطا و اشتباه رخ می‌دهد. اما آنجا که انسان مستقیماً با واقعیتهای عینی به وسیله یک حس خاص مواجه است و ادراک واقعیت عین اتصال با واقعیت است نه صورتی ذهنی از اتصال با واقعیت، دیگر خطا و اشتباه معنی ندارد. پیامبران الهی از درون خود با واقعیت هستی ارتباط و اتصال دارند. در متن واقعیت، اشتباه فرض نمی‌شود» (مطهری مرتضی، 1378: 160).

## اقسام عصمت

با توجه به آنچه گذشت می توان عصمت را به دو قسم عمده مطرح کرد:

یکی عصمت علمی و دیگری عصمت عملی.

توضیح اینکه معصوم با داشتن علم خالص به حقایق عالم و خواسته های الهی و اینکه شناختهای او فقط حق محض است دارای ملکه ای می شود که در هنگام عمل کردن جز حق چیز دیگری در میان نباشد. لذا چنین شخصی از هرگونه نسیان، خطا، اشتباه به دور خواهد بود و طبیعی است که عالمانه گناه نخواهد کرد.

### نشانه های عصمت

آشکارترین نشانه عصمت شخص اوج بندگی او دوری از هرگونه گناه است. معصوم فقط خدا را می بیند و در میان افراد اجتماع از هر لحاظ برترین فرد است و کسی به مقام شامخ او نمی رسد. او می تواند «کن فیکون» کند و از مغیبات خبر داده و بر اسرار مطلع باشد. دل رحم ترین، پاک ترین، بخشنده ترین، عابد ترین فرد روی زمین است.

### مفهوم شناسی طهارت

نویسنده کتاب گرانسنگ التحقیق فی کلمات القرآن الکریم واژه طهارت را معنی مقابل نجس و قدر (کثیفی) مادی و یا معنوی و به معنی بری (دور) از عیب می داند. به توجه به این معنی شخص طاهر هم ظاهری پاک داری وهم باطنی پاک وهرچیزی که به عنوان پلیدی وزشتی و عیب و نقص می توان شمرد از ساعت قدسی معصوم به دور است.

### اقسام طهارت

مفسر گرانقدر حضرت حجت الاسلام والمسلمین قرائتی زید عزه اقسام طهارت را اینگونه بیان می دارد:

«1- طهارت ظاهر از نجاسات و آلودگیها.

2- طهارت اعضا از گناهان و جرائم.

3- طهارت روح از مفاصد اخلاقی. آنگونه که در دعاها می خوانیم:

«الهی طهر قلبی من الشرك» خدایا دل مرا از شرك، پاك ساز. وقتی در نماز، لازم باشد که لباس و بدن از آلودگیها پاك باشد، آیا لازم تر آن نیست که دل و جان، از کبر و ریا و حسد و کینه هم پاك باشد؟ و آیا دوگانگی ظاهر از باطن، نوعی نفاق نیست؟» (قرائتی محسن، 1392:194).

این نظر استقصای نظر قرآن و اندیشمندان جهان اسلام در خصوص اقسام طهارت می باشد لذا به همین مطلب بسنده می شود.

### نشانه های طهارت

پاکی ظاهر از آلودگیها، اتصاف به صفات حسنه و اخلاق حمیده و دوری از اخلاق رذیله مهمترین نشانه های طهارت شخص است. کمترین چیزی که به خبث باطن اشاره نماید و یا ظاهر را بد جلوه دهد در معصوم طاهر یافت نمی شود.

### سؤال مهم

با توجه به آنچه ذکر شد این سوال مطرح می شود که رابطه بین طهارت و عصمت چگونه است؟ کدام مقدم بر دیگری است؟ از ظاهر آنچه ذکر شد و با توجه به متون روایی و خصوصا آیه تطهیر به نظر می رسد که عصمت مقدم بر طهارت می باشد چرا که طهارت با حصول علم به نجاسات و قذورات و دوری از آندو به دست می آید؛ علمی که منشأ عصمت است. لذا همین که شخص طاهر باشد نشان می دهد که عصمت هم دارد.

در زیارت جامعه کبیره آمده است:

« عصمکم الله من الزلزل، و آمنکم من الفتن، و طهرکم من الدنس، و أذهب عنکم الرجس و طهرکم تطهیرا » (مرعشی قاضی نور الله، 1376ق، 882)

طبق این کلام نورانی عصمت بر طهارت مقدم آورده شده است.

بله می توان «طهارت ذاتی» (حسینی طهرانی سید محمدحسین، 1373:139) افراد را که بر اساس فطرت بوده مقدم بر عصمت دانست ولی این نوع از طهارت از بحث ما به دور است.

بعد از بررسی معنا و مفهوم دو واژه طهارت و عصمت، می توان درباره مقام عصمت و طهارت حضرت فاطمه معصومه سلام الله علیها بحث را آغاز کرد. در واقع آنچه در دو بخش گذشته ذکر شد برای فهم عناوین نورانی یاد شده درباره این بانوی مقدس بود. به همین خاطر ما برای اینکه بتوانیم عصمت و طهارت این بانو را اثبات و بیان کنیم نیازمند تطبیق مطالب یاد شده با آنچه درباره ایشان نقل شده و یا شواهدی که به آندو اشاره دارد هستیم.

این تطبیق با بیان دلایل طهارت و عصمت ایشان ارائه می شود.

### دلایل طهارت حضرت فاطمه معصومه (س)

در خصوص طهارت حضرت فاطمه معصومه (س) می توان به دلایل کلی مربوط به طهارت اهل البیت علیهم السلام استناد کرد چرا که وی جزو اهل البیت و سرآمد فرزندان عترت محسوب می شود. این دلایل یا قرآنی است و یا به نص و تصریح امام معصوم است. به علاوه اینکه می توان به عموم نبود خبری که دال بر عدم طهارت ایشان باشد استناد کرد.

به باور همه شیعیان و پیروان راستین اهل البیت (ع) چه آنها که در زمان این بانو زندگی می کردند چه آنها که بعد از ایشان بوده اند مطلبی که مخالف طهارت ایشان باشد ذکر نشده است بلکه به اجماع، همه گواهی بر پاکی ایشان داده اند.

اینک به بررسی برخی دلایل به صورت تفصیلی می پردازیم.

#### - سلاله اطهار

طبق نص صریح قرآن، پیامبر و اهل البیت او علیهم السلام جزو کسانی هستند که خدای عزوجل طهارت ایشان را قطعی دانسته است. از طرفی به نظر مفسرین گرانقدر منظور از اهل البیت، عترت نبی یعنی خمس طیبه علیهم السلام و فرزندان از نسل امام حسین و احفاد و نسل ایشان می باشد.

به نظر ما سادات بزرگوار از نسل صدیقه طاهره -سلام الله علیها- بوده و نور مقدس ایشان در اینها جلوه گر است. البته انکار نمی کنیم که برخی سادات از جهت اخلاقی در اوج کمال نبوده اند ولی بیشتر آنها مخصوصا آنها که بلاواسطه فرزند معصوم بودند، جزو بهترین های عالم محسوب می شوند.

مهمترین دلیل قرآن بر طهارت اهل البیت علیهم السلام «آیه تطهیر» است.

قرآن کریم:

«...إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب: 33).

اگرچه این آیه شریفه اختصاصا درباره اصحاب کساء یعنی پیامبر و علی و فاطمه و حسنین -علیهم السلام- نازل شده است و در کتاب احقاق الحق بیش از هفتاد حدیث از منابع معروف اهل سنت درباره اختصاص آیه شریفه به پنج نفر ذکر شده و در کتاب شواهد التنزیل که از کتب معروف اهل سنت است بیش از یکصد و سی روایت در همین زمینه آمده است<sup>1</sup>، لیکن فرزندان این پاکان، قطعا از این طهارت بی نصیب نیستند. طوری که گاه این بزرگواران، برای اثبات فضیلت خود بر دیگران، به این آیه استناد می کرده اند.

وقتی زیارت حضرت فاطمه معصومه - سلام الله علیها- را می خوانیم ایشان را این گونه مورد خطاب قرار می دهیم:

«السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ رَسُولِ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ فَاطِمَةَ وَ خَدِيجَةَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ الْحَسَنِ وَالْحُسَيْنِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ وَلِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أُخْتِ وَلِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا عَمَّةَ وَلِيِّ اللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا بِنْتَ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ وَ رَحْمَةَ اللَّهِ وَ بَرَكَاتَهُ» (مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، 1403 ق: 29).

این خطاب خود دلیلی بر این است که فاطمه معصومه -سلام الله علیها- از نسل این اطهار است و فرزندان پاک از عترت نبی نیز می توانند تحت عموم «ویطهرکم تطهیرا» قرار بگیرند.

آن قدر این مطلب اظهر است که دلایل دیگر در خصوص طهارت ایشان ضروری نمی نماید که بیان شود. ولی از آنجا که قرار شد دلایل به تفصیل بیان شود، نمونه های دیگری را که اشاره به طهارت بانوی مطهر دارد آورده می شود.

#### - طهارت پدر و مادر

پدر بزرگوار ایشان جزو ائمه اطهار و ولی و حجت خدای سبحان روی زمین است و در طهارت ایشان هیچ تردیدی نیست.

مادر ایشان -علیها سلام-، ام ولد بود که او را «ام البنین» می گفتند و اسم حقیقی اش «نجمه» بود.

گفته شده که نام دیگر ایشان «سکن النوبیه» و یا «تکتم» می باشد.

علی بن میثم می گوید:

حميدة المصفاة مادر موسی بن جعفر که از اشراف عجم بود کنیزی خرید بنام تکتم، این بانو از عاقلترین زنان از نظر دینی و مذهبی بود، و به بانویش حمیده، فوق العاده احترام می گذاشت؛ تا آن جا که در مقابل او نمی نشست. حمیده به فرزندش موسی گفت:

ای پسر! تکتم کنیز خوبی است و من جاریه ای را بهتر از وی ندیده ام و یقین دارم که وی از نظر شأن و مقامی که دارد فرزندی پاک به دنیا آورد اینک او را به تو خواهم بخشید و از وی به خوبی نگهداری کن.

در روایت دیگری آمده است که حمیده- سلام الله علیها- مادر موسی بن جعفر علیهما السلام هنگامی که «نجمه» مادر حضرت رضا- علیه السلام- را خرید حضرت رسول -صلی الله علیه و آله- را در خواب دید که فرمود:

ای حمیده این کنیز را به فرزندت موسی هبه کن، زود است که خداوند از وی فرزندی که بهترین اهل روی زمین است ظاهر کند، وی پس از این خواب، کنیز را به فرزندش بخشید، هنگامی که حضرت رضا متولد شد، آن کنیز را «طاهره» نام گذاشت (قمی عباس، 1385: 424).

بی گمان مادری که رحمتش امانت دار ولی خداست پاکترین رحمها بوده و فرزندان بعدی او نیز به برکت این رحم، پاک خواهد بود. فاطمه معصومه سلام الله علیها از همین دامان است و تنها خواهر تنی امام رضا علیه السلام محسوب می شود.

اگر اخت الرضا - سلام الله علیهما- از مادری غیر پاک به دنیا می آمد قطعاً برادرشان که امام باشد مورد تعبیر قرار می گیرد واعتمادی که قرار بود بر تمت شود تا مردم را به سر منزل مقصود برساند از دست می رفت.

#### - خواهر معصوم (ع)

چنانچه گذشت ایشان تنها خواهر تنی (طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم، 1413 ق: 149) امام رضا -علیه السلام- محسوب می شود و بر این مطلب عنوان «اخت ولی الله» که در زیارتنامه حضرت آمده گواه می باشد.

این خصوصیت باعث می شود که به خاطر حفظ جایگاه و شخصیت حضرت امام رضا -علیه السلام- عیبی و خطایی و گناهی در خواهر وی نباشد تا بر ایشان طعن وارد کنند.

به علاوه رابطه، برادری و خواهری موجب می شد که حضرت فاطمه معصومه -سلام الله علیها- از محضر حجت خدا کسب فیض نماید و راههای کمال و تعالی را سریعتر و هماهنگ با برادر طی نماید.

علاقه بیش از اندازه امام رضا- علیه السلام- به ایشان، گواهی برکمال وجودی خواهر می دهد.

- رشد و نمو یافته با آموزه های عصمت

ایشان تربیت شده مکتب جدشان امام صادق -علیه السلام- و پدرشان امام کاظم -علیه السلام- و مکتب برادرشان امام رضا -علیه السلام- می باشند و کسی که این سه مکتب و محضر را درک کرده باشد بی گمان از جهت معرفتی و علمی در اوج و بلندا خواهد بود و به اندازه درجه کسب فیضشان، از درجات عصمت نیز بهره مند خواهد شد چنانچه پیشتر اشاره کردیم منشأ اصلی عصمت علم است که این بانو دارای آن بوده است.

حضرت معصومه -علیها السلام- در پرتو برخورداری از کمالات نفسانی و فضائل اخلاقی، بعد از امام رضا -علیه السلام- در میان فرزندان موسی بن جعفر -علیه السلام- و حتی دیگر امامزادگان، شخصیتی ممتاز و برجسته دارد. محدث قمی در رابطه با دختران موسی بن جعفر می نویسد:

«بر حسب آنچه به ما رسیده افضل آنها، سیده جلیله معظمه، فاطمه بنت امام موسی -علیه السلام- معروف به حضرت معصومه است. (قمی عباس، 1390:242)

علامه، محمد تقی تستری می نویسد:

«در میان فرزندان امام کاظم -علیه السلام- با آن همه کثرتشان بعد از امام رضا -علیه السلام- کسی همسنگ حضرت معصومه -علیها السلام- نمی باشد. (مهدی پور، علی اکبر، 1374:21)

### دلایل عصمت

- تعبیر به معصومه از ناحیه معصوم

لقب معصومه برگرفته شده از روایتی است که از امام رضا -علیه السلام- نقل شده است:

«مَنْ زَارَ الْمَعْصُومَةَ بِقَمٍّ كَمَنْ زَارَنِي». (سپهر عباسقلی، 1353:337)

کسی که حضرت معصومه را در قم زیارت کند مانند کسی است که مرا زیارت کرده است.

### تحلیل و بررسی

این عنوان صرفاً یک عنوان تشریفاتی نیست. امام معصوم هر سخنی که می گوید و هر فعلی که انجام می دهد بر اساس حق است [..]. **الْعَامِلُ بِالْحَقِّ... النَّاطِقُ بِالْحَقِّ الْيَقِينِ** [مجلسی، محمد باقر بن محمد تقی، 1403:ق20] لذا این عنوان بایست بر عصمت حقیقی واقعی دلالت نماید.

به باور برخی این عنوان بر عصمتی که در انبیاء و ائمه -علیهم السلام- موجود است دلالت ندارد بلکه بدرجه پایین تر از آن دلالت دارد. بی گمان هیچ دلیلی بر این درجه بندی موجود نیست؛ شاید دلیلی که باعث شده چنین نظری داده شود این باشد گمان شده بین عصمت و دو عنوان نبوت و ولایت ملازمه وجود دارد یعنی هر جا عصمت باشد باید نبوت و امامت نیز مطرح باشد و بالعکس. درحالی که می شود کسی عصمت داشته باشد ولی از ناحیه خدای عز و جل رسول و یا نبی و یا امام نباشد. چرا که این عناوین، نشان مأموریتی است از ناحیه خدای عزوجل بوده و او به هرکه بخواهد عطا می کند:

«اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ» (انعام:124). خدش را کجا آگاهتر به این است که رسالتش را کجا گزارد.



- وجوب بهشت بر زوار او

در روایتهایی از امام رضا و امام جواد -علیهم السلام- پاداش زیارت حضرت فاطمه معصومه -سلام الله علیها- بهشت دانسته شده است:  
عن الرضا علیه السلام:

«مَنْ زَارَهَا فَلَهُ الْجَنَّةُ» (ابن قولویه، جعفر بن محمد، 234:1356). هرکه او [فاطمه معصومه] را زیارت کند بهشت از آن او خواهد بود.

عَنِ ابْنِ الرِّضَا -عَلَيْهِ السَّلَامُ- قَالَ :

«مَنْ زَارَ قَبْرَ عَمَّتِي بِقَمِّ فَلَهُ الْجَنَّةُ» (مجلسی، محمدباقر، 316:1403). هرکه عمه ام را در قم زیارت نماید بهشت از آن او خواهد بود.

تحلیل و بررسی

اگر چه وجوب بهشت حتی با زیارت یک مومن ساده نیز در روایات آمده است ولی سوال راویان از دو امام بزرگوار درباره اهمیت زیارت این بانو، و جوابی که حضرات می دهند نشان از توجه ویژه امام به مسأله دارد.

بی گمان پرسشگران از ثواب و جزای زیارت حضرت معصومه -سلام الله علیها- مطلع از بهشتی بودن زائر حتی قبر یک مومن ساده بوده اند لذا سؤال مطرح شده بسیار حساب شده و دقیق بوده است.

بی شک با تفصیلی که درباره معنای عصمت در بخش اول مقاله عرض شد قطعاً حضرت فاطمه معصومه -سلام الله علیها- از درجه خاصی از عصمت برخوردار بوده و این عصمت چون نشان طهارت است خود به خود بر لزوم بهشتی بودن فرد نیز دلالت می کرد. کسی که از سر عشق و محبت و معرفت زائر چنین شخصیتی باشد طبیعی است که زائر یک فرد بهشتی شده است و از آنجا که هرکس با هر چیزی ک دوست دارد محشور می شود چنانچه در روایتی از امام رضا -علیه السلام- به این نکته تصریح شده است:

«...فَلَوْ أَنَّ رَجُلًا أَحَبَّ حَجْرًا لَحَشَرَهُ اللَّهُ مَعَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» ( شیخ حر عاملی، محمد بن حسن، ق 50:1409). حشر زائر فاطمه معصومه -سلام الله

علیها- نیز در بهشت خواهد بود چون جایگاه چنین محبوبی در بهشت است.

- حرم بودن حریم او برای اهل البیت علیهم السلام

عن أبي عبد الله عليه السلام:

«إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَهُوَ مَكَّةُ وَإِنَّ لِلرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَرَمًا وَهُوَ الْمَدِينَةُ وَإِنَّ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَرَمًا وَهُوَ الْكُوفَةُ وَإِنَّ لَنَا حَرَمًا وَهُوَ بَلْدَةُ قَمٍّ وَ سَتَدْفَنُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ أَوْلَادِي تَسْمَى فَاطِمَةَ فَمَنْ زَارَهَا وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ قَالَ الرَّاوي وَ كَانَ هَذَا الْكَلَامُ مِنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَبْلَ أَنْ يُوَلَّدَ الْكَاطِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ» (نوری، حسین بن محمد تقی، 36:1408، ق 36).

امام صادق -علیه السلام- فرمود:

«خداوند حرمی دارد که مکه است. پیامبر -صلی الله علیه و آله- نیز حرمی دارد که مدینه است.

کوفه نیز حرم امیرمؤمنان -علیه السلام- است. برای ما خاندان نیز حرمی است که در قم است. و به همین زودی بانویی از فرزندان من به نام فاطمه در آنجا دفن خواهد شد، کسی که او را زیارت کند بهشت بر او واجب خواهد شد.»

راوی می افزاید:

امام این سخن را وقتی فرمود که هنوز امام کاظم -علیه السلام- متولد نشده بود.

تحلیل و بررسی

این تنها روایتی است که درباره حرم بودن قم برای اهل البیت -علیهم السلام- دلالت دارد. اگر به متن روایت دقت شود در دلیل حرم بودن قم برای خاندان عصمت به صورت مستقیم به حضور فاطمه معصومه -سلام الله علیها- اشاره نشده است ولی از آن جهت که سابق

بر این کلام چنین تعبیری درباره قم وجود نداشته و به علاوه، از تغییر لحن امام که درباره حرمتها صحبت می کرد و یک دفعه به دفن فاطمه -معصومه سلام الله علیها- آنرا تغییر داد، می شود فهمید که حضور این بانو در قم و حرم بودن این شهر، بر آل الله موضوعیت دارد.

قطعا باید این بانو بسیار جلیله باشد و یا بهتر بگویم باید معصومه باشد تا شایستگی حرم نمودن این شهر را برای معصومین علیهم السلام نماید چرا که «شرف المكان شرف أهله» (مجلسی، محمدباقر، 17:1403). یعنی شرافت هر مکانی به شرافت اهل اوست.

- صدور زیارتنامه همسان با زیارات معصومین علیهم السلام

اگر زیارتنامه ایشان را که از ناحیه مبارکه امام رضا -علیه السلام- صادر شده است. (مجلسی، محمدباقر، 26:1403). ملاحظه نموده و با سایر زیارات ذوات مقدسه معصومین -علیهم السلام- مقایسه کنیم، کیفیت این زیارت را همسان با هم خواهیم یافت. این نکته اشاره به مرتبت خاص این بانو دارد و تنها امام زاده ای است که چنین زیارت نامه ای را دارد. این همسانی حداقل، مشعر به عصمت این بانو دارد. اگرچه متن روایت و شیوه موجود در آن و تعبیراتش، گواه واضحی بر عصمت بانوی حرم اهل بیت -علیهم السلام- دارد.

- تعبیر امام کاظم علیه السلام: «فداها ابوها».

بنا به نقل صاحب کشف الثالی روزی جمعی از شیعیان وارد مدینه شدند و تعدادی پرسش در نامه ای نوشته به خانه امام کاظم -علیه السلام- بردند. امام در سفر بود، امام رضا علیه السلام نیز در مدینه حضور نداشت.

هیأت اعزامی از اینکه خدمت امام زمان خود نرسیده بودند و با دست خالی باز می گشتند اندوهگین بودند. حضرت معصومه -که در آن ایام هنوز به سن بلوغ نرسیده بود- با مشاهده غم و اندوه آنان، پاسخ پرسشها را نوشت و به آنان داد.

شیعیان با خوشحالی مدینه را ترک کردند. در بیرون مدینه امام کاظم -علیه السلام- را زیارت و

داستان خود را تعریف کرده پاسخهای حضرت معصومه را ارائه دادند. امام کاظم با دیدن جوابها، با بیان جمله: «فداها ابوها» رضایت و مسرت خود را بیان کرد (رفیعی علی، 24:1382).

تحلیل و بررسی

این عبارت اگر چه به ظاهر نشان از نمایش عاطفه امام -علیه السلام- به دخترش می باشد و ممکن است هر فرد عادی نیز در قبال خوبی فرزند خود چنین جمله ای را بر زبان آورد، ولی نباید از این نکته غافل بود که امام معصوم -علیه السلام- که جان خود را با این بیان فدا می نماید گزافه و لغو نمی گوید.

«پدرش به قربانش شود» جمله ای است که صدور آن از عامی و امام تفاوت دارد. غالباً چنین جملاتی از عوام، از سر احساسات صرف و لغو و غیر از واقع گویی است و ممکن است در مقام عمل گوینده آن کوتاهی نموده و نتواند صحت گفتار خود را ثابت نماید اما وقتی امام چنین جمله ای را بر زبان بیاورد در مقام عمل نیز صحتش ثابت خواهد شد.

امام چون معصوم است جان خود را بر معصوم شایسته است که فدا نماید.

- مقام شفاعت ایشان

عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«إِنَّ لِلَّهِ حَرَمًا وَهُوَ مَكَّةُ أَلَا إِنَّ لِرَسُولِ اللَّهِ حَرَمًا وَهُوَ الْمَدِينَةُ أَلَا وَ إِنَّ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ حَرَمًا وَهُوَ الْكُوفَةُ أَلَا وَ إِنَّ قُمَّ الْكُوفَةَ الصَّغِيرَةَ أَلَا إِنَّ لِلْجَنَّةِ مَنَائِيَةَ أَبْوَابٍ ثَلَاثَةً مِنْهَا إِلَى قُمَّ تَقْبُضُ فِيهَا امْرَأَةٌ مِنْ وَلَدِي أَسْمَاهَا قَاطِمَةُ بِنْتُ مُوسَى وَ تَدْخُلُ بِشَفَاعَتِهَا شِيعَتِي الْجَنَّةَ بِأَجْمَعِهِمْ

«(مجلسی، محمدباقر، 22:1403)

برای خدا حرمی است و آن مکه است؛ آگاه باشید برای رسول خدا حرمی است و آن مدینه است؛ آگاه باشید برای امیر المومنین حرمی است و آن کوفه است؛ و آگاه باشید که قم کوفه کوچک است؛ آگاه باشید بهشت را هشت در است که سه در آن به قم باز می شود؛ در آن زنی

از فرزندان من که نامش فاطمه دختر موسی است وفات خواهد یافت [و دفن خواهد شد] و با شفاعتش همه شیعیانم وارد بهشت می شوند.

در زیارتنامه ایشان می خوانیم:

«...یا فاطمة اشفعی لی فی الجنة فإن لم عند الله شأننا من الشأن...». (مجلسی، محمدباقر، 1403، 26)

ای فاطمه در بهشت شفاعتم کن که نزد خدای سبحان جایگاهی خاص داری.

#### تحلیل و بررسی

این دو دلیل که عرض شد به علاوه دلایل دیگر، نشان از مقام شفاعت ایشان است اگرچه شفاعت درجات مختلفی دارد و برخی از مؤمنین هم درجاتی از آن را دارند لکن تعبیر به «اجمعین» در فرموده امام صادق -علیه السلام- و عبارت «شأننا من الشأن» نشان از شفاعت در حد اعلائی آن است که این حد شفاعت بر ای معصوم -علیه السلام- در بسیاری از روایات مطرح شده است. شفاعت کبری لازمه اش داشتن جایگاه رفیع در نزد خدای سبحان است که به برکت عصمت به دست می آید.

#### نتیجه گیری

عصمت و طهارت از عالی ترین مراتب شخصیتی یک فرد محسوب می شود. حضرت فاطمه معصومه -سلام الله علیها- جزو زنانی است که از سلاله اطهار بوده و به خاطر بهره مندی از مکتب اهل البیت -علیهم السلام- و پرورش در دامان و محضر -ولایت، برخوردار از نوعی خاص از عصمت شده است. همین مقام ایشان را در صدر زنان مقدس عالم قرار داده و خیل مشتاقان اهل البیت -علیهم السلام- را به سوی خود کشانده است. تعابیر امام صادق و امام رضا و امام جواد -علیهم السلام- درباره این بانو و... دلایل عمده اثبات عصمت و طهارت ایشان است که در این مقاله به بررسی آنها پرداختیم.

## فهرست منابع:

- 1- قرآن کریم
- 2- مجلسی قدس سره علامه محمد باقر، بحار الأنوار، 1404 هجری قمری مؤسسة الوفاء بیروت - لبنان.
- 3- شیخ حر عاملی، وسائل الشیعة، مؤسسه آل البيت عليهم السلام قم، 1409 هجری قمری
- 4- محدث نوری، مستدرک الوسائل، مؤسسه آل البيت عليهم السلام قم، 1408 هجری قمری
- 5- سپهر عباسقلی ۱۲۶۸-۱۲۴۲ق، ناسخ التواریخ، زندگانی حضرت موسی بن جعفر علیه السلام، تهران، اسلامیة ۱۳۵۳
- 6- مهدی پور، علی اکبر، کریمه اهل بیت، قم، نشر حاذق، چاپ اول، 1374
- 7- علی رفیعی، تاریخ زندگانی امام کاظم (ع)، 1388، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی
- 8- قمی قدس سره شیخ عباس، منتهی الآمال، 1379، انتشارات مؤمنین، قم.
- 9- طبری آملی صغیر، محمد بن جریر بن رستم دلائل الإمامة (ط - الحديثة)، ناشر: بعثت، ایران؛ قم سال چاپ: 1413 ق
- 10- مرعشی قاضی نور الله، إحقاق الحق و إزهاق الباطل، ناشر: مكتبة آية الله المرعشي النجفي.
- 11- آية الله مكارم شیرازی زید عزه و همکاران، تفسیر نمونه.
- 12- شیخ حسین انصاریان، اهل البيت عليهم السلام عرشیان فرش نشین 1388، انتشارات دار العرفان، قم.
- 13- قرشی بنایی، علی اکبر، قاموس قرآن، 1412 ق، دار الکتب الاسلامیة، تهران
- 14- راغب اصفهانی، حسین بن محمد مفردات ألفاظ القرآن، 1412 ق، بیروت - دمشق
- 15- حسن المصطفوی، التحقيق في كلمات القرآن الكريم، الطبعة الاولى - طهران - 1393 هـ. ق.
- 16- قرائتی محسن، پرنوی از اسرار نماز، 1389، موسسه درسهایی از قرآن، تهران.
- 17- شرح المقاصد. لمسعود بن عمر بن عبد الله المعروف بسعد الدين التفتازاني (ت 793 هـ). تحقيق عبد الرحمن عميرة. الطبعة الأولى، 5 أجزاء في 4 مجلدات، قم، منشورات الرضي، 1370 - 1371 هـ ش، [بالأوفست عن طبعته السابقة، مصر، 1409 هـ / 1989 م].
- 18- کشف المراد في شرح تجريد الاعتقاد. للعلامة الحلي جمال الدين الحسن بن يوسف بن المطهر (ت 726 هـ). تحقيق حسن حسن زاده الآملي. الطبعة الأولى، قم، مؤسسه النشر الإسلامي، 1407 هـ.
- 19- رخشاد محمد حسین، در محضر علامه طباطبایی، 1380، قم، سماء قلم، چاپ ششم
- 20- مجموعه آثار استاد شهید مطهری، 1389، انتشارات صدرا، قم.
- 21- آیت الله سید محمد حسین حسینی تهرانی، معاد شناسی، 1422ق، نشر نور ملکوت قرآن، مشهد.

شماره تماس با نویسنده:

09192655866

09382441879